مجله حوزه، شماره 157

**جامعه‏هاى غربى و فرصت­هاى مغتنم براى حضور حوزويان**

**دكتر سيدخليل طوسي**  
**رسالت حوزه‏ها و عالمان آگاه است كه پيام دين را به همگان برسانند و در جاى جاى جهان، در بين مسلمانان و غيرمسلمانان به روشنگرى بپردازند. به نظر جناب عالى از فرصتهايى كه براى حضور حوزويان در جهان، بويژه جامعه‏هاى غربى پيش آمده، كدام را بايد بيش‏تر مغتنم بشمرند و در آن ساحَت؛ رسالت خويش را ايفا كنند؟** \*  يكى از مغتنم‏ترين فرصتهاى حضور براى حوزويان در جوامع غرب (مسلمانان و يا غيرمسلمانان) تهيه و تدوين متونى است كه اسلام شيعى را براى آنان معرفى كند. مى‏دانيد اسلام‏شناسى در مراكز علمى - فرهنگى غرب، همان اسلام‏شناسى چهل - پنجاه سال پيش است. كتابهايى كه توسط مستشرقان در موضوع اسلام نوشته شده است به دليلهاى زير، داراى كاستيها و نارساييهاى بسيار است:  
 - دسترسى نداشتن به منابع اصيل و اوليه اسلامى  
 - ناآشنايى با زبان مسلمانان  
 - وجود انگيزه‏هاى سياسى - استعمارى  
 در عين حال، هنوز بسيارى از اين كتابها در دپارتمان‏هاى اسلام‏شناسى غرب جزو متون درسى و مرجع تحقيقات اسلام شناسان است. براى نمونه كتابهايى از قبيل:

 ScripturalofMethodandsourcesstudies:Quranic  
 j.interpretationby  
 johnbyan§QurtheofcollectionWansbrough.The  
 buLawlislamicofHistoryBurton.A  
   
 C.R.byEnglishTo(trans.studiesN.J.Coulson.GoldziherignazMuslim  
 .BarberS.M  
 .(Stern

ايده اصلى اين گروه از مستشرقان در مورد قرآن و حديث اين است كه قرآن و احاديث، حدود يك قرن بعد توسط صحابه و ساير مسلمانان تدوين شده و در زمان پيامبر، به اندازه و گونه‏اى كه امروزه در دسترس مسلمانان است، وجود نداشته است. براى اين مدعاى خود تلاش كرده‏اند ادله‏اى اقامه نمايند.  
 على رغم اشتباهات محتوايى سهمگين، اين كتابها به خاطر امتيازهاى ساختارى، هنوز در محافل آكادميك مورد استفاده‏اند. زيرا از روش تحقيق تعريف شده‏اى كه سبب مى‏شود كتاب و يا مقاله ساختار علمى پيدا كند، پيروى كرده‏اند. در اين روش، ابتدا موضوع اصلى تعيين مى‏گردد و تا آخر، بدون ارتكاب تكرار و يا مطالب زائد و غير مربوط، حول همان محور اصلى مورد تحقيق، نويسنده مطالب خود را سامان دهى مى‏كند. علاوه بر اين كه براى هر مطلب، با ذكر مراجع و م‏آخذ، مطالب ديگران را از مطلب و ايده‏هاى خود به طرز روشنى تفكيك مى‏كند. يكى از ناپسندترين كارها در فعاليتهاى علمى اين است كه نويسنده، مطلبى را از مقاله يا كتابى بر دارد و آدرس ندهد. هر چند آن مطلب از نوشته‏هاى خود شخص در مقالات و يا كتب ديگر او باشد. رعايت اين روش، مشخص مى‏كند كه نويسنده چه نوآوريهايى داشته است. در محافل علمى غرب، كتاب و يا مقاله‏اى كه با اين روش نگارش شود، به عنوان يك اثر علمى مورد اقبال قرار مى‏گيرد. متاسفانه در ايران نويسندگان كم‏تر اين روش را رعايت مى‏كنند. از همين رو، كتابهايى كه ياد شد و نظائر آنها هرچند پر از خطا و اشتباه است؛ اما به دليل پسنديده بودن روش تحقيق و اسلوب نگارش، هنوز متن درسى است.  
 البته در دهه‏هاى اخير، بر اثر شكل‏گيرى جمعيتهاى اسلامى و نيز مهاجرت انديشمندان و اساتيد و دانشجويانى كه براى تحصيل به غرب مهاجرت كرده‏اند، موج جديدى از اسلام‏شناسى پديد آمده است. در 30 سال گذشته، صدها، بلكه هزاران مقاله و كتاب توسط آنان به زبان انگليسى نوشته شده و در كتابخانه‏هاى آن جا موجود است. ولى متاسفانه در معرفى فرهنگ شيعه بسيار كم كار شده است.  
   
**طرح چه بحثها و مقوله‏هايى در جامعه‏هاى غربى، مورد نياز و از اولويت برخوردارند؟** × موضوعاتى كه در اولويت قرار دارند عبارت‏اند از:  
 اخلاق، مباحث عرفانى و معنوى (طرح مشكلات، انحرافات، راه حلها) حقوق فردى و اجتماعى زنان، مباحث حقوقى خانواده و مسائل اقتصادى و بانكدارى اسلامى، مباحث فقهى مستحدثه در جهان امروز و جوامع غربى. البته ناظر بر زندگى مسلمانانى باشد كه در غير جوامع اسلامى هستند. بسيارى از اين موضوعات بايد با مباشرت مسلمانانى كه در جوامع غير اسلامى زندگى مى‏كنند، طرح و سپس پاسخ داده شود.  
  
**حوزه‏هاى علميه ايران، در چه سطح و اندازه به مسؤوليتهاى دينى - فراملى عمل مى‏كنند؟ تبيين توصيفى - تحليلى از آن چيست و آيا پيشرفتهاى قابل ملاحظه‏اى در اين زمينه ديده مى‏شود؟**  
 × متاسفانه حوزه‏هاى علميه ايران و ديگر حوزه‏هاى شيعى، در اين زمينه هرگز خوب عمل نكرده‏اند و با توجه به وضعيت موجود، اميد چندانى نيز وجود ندارد. بومى سازى معارف شيعى بايد از سوى علماء هر بلد و قومى انجام بگيرد. حتى الامكان از ميان مردم هر بلد و قوم، كسانى در همان محل، دانش دين بياموزند و تربيت بشوند. و لازمه اين امر تربيت عالمان زبان دان و بسيار فاضل و با تقوى براى تربيت طلاب در خارج كشور است. در همين راستا تهيه مطالب مناسب براى آموزش علماء در منطقه متناسب با فرهنگ و فهم همان قوم از ضروريات است كه تاكنون كارى اساسى در اين رابطه صورت نگرفته است.  
 در لندن من از نزديك شاهد اقبال جوانان به تشيع هستم. در دفتر كارم حداقل هفته‏اى يك نفر از جوانانى كه يا مسلمان شده‏اند و يا از خانواده مسلمان هستند مراجعه مى‏كنند و خواهان شناخت اسلام و معارف شيعى‏اند، مى‏خواهند به ايران بيايند و در قم طلبه بشوند. همانند موجى كه در ابتداى انقلاب براى جوانان در ايران پديد آمده بود كه به مدارس دينى، براى فراگيرى دانشهاى حوزوى و تحصيل، رو آوردند. ال‏آن در اروپا با تاخيرى سى و دو ساله شاهد همان موج هستيم. در كالج اسلامى، مجله‏اى با عنوان »شيعه اسلام« سه سال است كه منتشر مى‏شود. دو سال پيش به سختى موفق به تهيه مقاله قابل قبول براى چاپ مى‏شديم. اما الان مقالاتى كه براى چاپ به مجله ارسال مى‏كنند، كه نوعا درباره مطالعات شيعى است، آن قدر زياد است كه تا سال 2012 براى چاپ در نوبت گذاشته‏ام. معناى اين مطلب اين است كه بيش‏ترين توجه اساتيد و اهل فكر و كسانى كه مى‏خواهند درباره اسلام بدانند و بنويسند، تمايل دارند درباره شيعه بنويسند.  
 على رغم اين همه اشتياق، بايد بگويم كه هنوز منابع اسلامى، به خصوص شيعى به زبان انگليسى بسيار فقير است و كارهاى انجام نشده بسيارى پيش رو داريم. بسيارى از كتابها و متون روايى، تفسيرى، تاريخى و... اهل سنت ترجمه و چاپ شده و در دسترس است و حتى خيلى از كشورهاى عربى تعدادى از دپارتمانهاى اسلامى را خريده‏اند. زيرا در آن جا رسم است كه با دادن مبلغى در سال، اجازه مى‏گيرند دپارتمان اسلام‏شناسى و يا زبان عربى تأسيس كنند و اساتيد را از كشور خودشان مى‏آورند؛ زيرا استاد اروپايى را براى تدريس اسلام‏شناسى شايسته نمى‏دانند. اين كار از سوى كشورهاى عربى زياد اتفاق افتاده است. اما درباره شيعه اين اتفاق نيفتاده است. با آن كه گفتم اقبال به تشيع خيلى بيش‏تر از تسنن است. به خاطر عقلانيت و ايده‏هاى زنده و پويايى كه در تشيع هست.  
 با اين حال، هنوز هيچ كتاب روايى، تفسيرى و فلسفى از شيعه، كه به صورت كامل ترجمه و چاپ شده باشد، نداريم. ما بسيارى از كارهايى كه در كالج اسلامى انجام مى‏دهيم براى اولين بار است. جلد هشتم و نهم اسفار، كه دو سال پيش چاپ شد، يا مجموعه احاديث شيعه، در كتاب منتخب ميزان الحكمه و يا كتاب نهايه شيخ طوسى در فقه، از اولين اثار كاملى است كه درباره فلسفه اسلامى، فقه و حديث شيعه به زبان انگليسى چاپ شده است. اطلاع دارم بحمدالله كتابهاى زيادى، اعم از كتب كلاسيك و غيره، هم اكنون توسط مؤسسات مختلف در حال ترجمه است. كالج نيز ده‏ها طرح از اين قبيل را در دست اجرا دارد كه در سالهاى آينده چاپ خواهد شد. اما با اين همه، با توجه به غناى معارف شيعى، آن چه چاپ شده و در دسترس علاقه‏مندان قرار گرفته، بسيار ناچيز است و اين كارها در حجم وسيع با بسيجى عمومى از سوى محافل حوزوى و دانشگاهى بايد صورت بگيرد، تا در چند دهه آينده حداقل درصد قابل قبولى از آثار شيعى، به غرب منتقل شود.  
   
**رسالت حوزه‏هاى علميه و فرصتهاى فراروى ايجاب مى‏كند كه نقش آفرينى آنها در عرصه جهانى، هر روز افزون‏تر شود، به نظر جناب عالى، موانع حضور فعال‏تر در ساحَتها و حوزه‏هاى فكرى و فرهنگى چيست؟**  
 \*  با توجه به پاسخ سؤال نخست، يكى از موانع اصلى، نبود نيروى انسانى براى انتقال فرهنگ شيعى به محافل علمى - فرهنگى غرب است. متاسفانه در حوزه، نيروى تربيت شده و توان‏مند به اندازه نياز براى اين كار نداريم؛ كسانى كه بتوانند فراتر از ترجمه، ميراث شيعى را بازخوانى و بازآفرينى كنند و براى مخاطبان غربى مناسب نمايند. بسيارى از كتابهاى ما با اين شكل موجود براى آن جا و مخاطب غربى، قابل ترجمه نيست. به عنوان مثال در غرب - مسلمان يا غير مسلمان - آن چه از يك نويسنده اسلامى انتظار دارند، اين است كه با نگاه بيرونى به دين، معارف اسلامى را عرضه كند؛ يعنى در ارائه مطالب دينى بر ايمان شخصى به مدعيات دينى، تكيه نشود. و خواننده تصور نكند كه نويسنده مى‏خواهد با پيش فرض، مطلبى را تحميل كند.  
 اما ضرورت اين كار، توسط علماء و مؤسسه‏هايى كه داراى منابع مالى و انسانى‏اند، به خوبى درك نشده است. و نيز عامل ديگرى كه سبب مى‏شود در اين گونه جوامع، حوزه از حضور موفق‏تر باز بماند، تكيه بر شيعه ايرانى به جاى تشيع ناب است.  
 براى رفع موانع، نياز به برنامه‏ريزى دراز مدت (حداقل برنامه 20 ساله) و صرف سرمايه است. ال‏آن ما سخت نيازمند نيروهايى هستيم كه بتوانند فرهنگ شيعى را به زبان هر قوم؛ يعنى بالاتر از زبان ترجمه، بلكه به مقتضاى فرهنگ خودشان منتقل كنند. و اين كارى است كه برنامه‏ريزى چندين ساله لازم دارد. با توجه به موج دين خواهى جديد، حوزه‏ها از ال‏آن بايد به اين مهم بينديشند و برنامه‏ريزى كنند. اين برنامه‏ريزى محدود به غرب نيست. هر كارى كه براى انگليسى زبانهاى عالم مى‏شود، بايد براى ديگر زبانها نيز بشود، زبانهايى همچون اسپانيولى، فرانسوى، مالى و غيره. بيش‏تر مردم كشورهاى آفريقا، كه بسيار مشتاق اسلام‏اند، فرانسوى زبان‏اند. صدها ميليون مردم آمريكاى جنوبى، به زبان اسپانيايى سخن مى‏گويند و من مطمئن هستم اگر پيام اسلام به آنان برسد استقبال مى‏كنند. اين كارى كه در قم، برخى مؤسسات آموزشى - پژوهشى انجام مى‏دهند، فضلاى حوزه را براى مدت شش ماه، يا يك سال به دانشگاه‏هاى خارج مى‏فرستند، مؤثر و مفيد است. زيرا با فضاى فرهنگى و پژوهشى آن جا آشنا مى‏شوند و مى‏فهمند كه چگونه بايد مطالب اسلامى را براى خارج كشور ارائه كنند. به هر روى، بايد نيازهاى بيرون كشورى را به درستى درك كنيم و براى آن برنامه‏ريزى كنيم.  
 الان ما به اندازه‏ى كافى، نيرو براى انتقال افكار شيعى متناسب با فرهنگها نداريم. در غرب نيروهايى كه اكنون در اختيار مراكز اسلام‏شناسى هستند، مترجمينى‏اند كه دو زبان فارسى و انگليسى را خوب مى‏دانند و مى‏توانند مفاهيم دينى را با زبان انگليسيها، يعنى با زبان خودشان، نه با زبان ترجمه شده، منتقل كنند. ولى نيرويى كه بتواند افزون بر آن، در متن مرجع، ويراستاريهاى محتوايى را انجام دهد، نداريم.  
 ما اكنون در كالج اسلامى لندن، طرح تربيت ويراستاران محتوايى را دنبال مى‏كنيم؛ كسانى كه به هر دو زبان مسلط باشند و نيز معارف اسلامى را به خوبى بشناسند، تا از عهده ويراستارى، به شيوه‏اى كه گفته شد، برآيند.  
  
  
پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم